



The Feasibility of Accepting the Tort of Intentional Interference with Contractual Relations as a Remedy for Breach of the Negative Pledge Clause (a comparative study of English and Iranian Law)

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.3.1

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Mohammad Bagher Parsapour 
ORCID: <https://0000000223097138>

² Molouk Dehghani 
ORCID: <https://0009000605716093>

Affiliation:

¹ Associate Professor in Private Law,
Faculty of Law, Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran

² M.A. Student in Private Law, Faculty
of Law, Tarbiat Modares University,
Tehran, Iran

Correspondence:*

Email: parsapour@modares.ac.ir

Article History:

Received: 25.09.2024

Accepted: 10.06.2025

Abstract

The negative pledge clause is a restrictive covenant in financing agreements, whereby the borrower (funding recipient) is prohibited from creating any security interest over its assets in favor of other creditors until the loan is fully repaid. This clause, which is common in unsecured financing contracts, aims to protect the lender (financier) against the risk of default. A breach occurs when the borrower fails to honor this commitment and grants security to a new lender. Among various proposed remedies, this article examines filing a tort claim for intentional interference with contractual relations against the new lender. This tort, which provides significant protection for the rights of the beneficiary of the negative pledge clause (the original lender), is analyzed through a comparative study with English law. This descriptive-analytical research aims to lay the groundwork for recognizing this tort in Iranian law to strengthen the position of the said beneficiary. By examining its constituent elements, it is concluded that, under certain conditions, accepting this cause of action as a remedy for breaching the negative pledge clause is feasible within the Iranian legal system.

Keywords: pledge, negative pledge clause, financing contracts, Intentional Interference with Contractual Relations





امکان‌سنجی مسئولیت مدنی مداخله در روابط قراردادی به عنوان ضمانت اجرای نقض شرط وثیقه منفی (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)^۱

محمدباقر پارساپور^{۱*}، ملوک دهقانی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

چکیده

شرط وثیقه منفی از جمله شروط محدودکننده در قراردادهای تأمین مالی است که به موجب آن تأمین‌شونده مالی، تا زمان بازپرداخت وام، از وثیقه گذاشتن اموال خود به نفع دیگر طلبکارانش منع می‌شود. این شرط که در قراردادهای تأمین مالی تضمین نشده کاربرد دارد؛ برای حفاظت از تأمین‌کننده مالی در برابر خطر پرداخت نشدن وام است. نقض این شرط زمانی رخ می‌دهد که تأمین‌شونده مالی به تعهد خود ضمن شرط وثیقه منفی وفادار نمانده و به تأمین‌کننده دیگری وثیقه اعطا می‌کند. از میان تمام ضمانت‌اجراهای پیشنهادی، طرح دعوای مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی علیه تأمین‌کننده جدید، مسئله‌ای است که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است.

۱ مقاله مستخرج از پایان‌نامه است.

E-mail: parsapour@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



تحلیل این مسئولیت به عنوان راهکاری که حمایت قابل توجهی را از حقوق ذینفع شرط وثیقه منفی به همراه دارد با بررسی تطبیقی آن در حقوق انگلیس انجام می‌شود. این پژوهش که به روشی توصیفی تحلیلی است با هدف فراهم آوردن زمینه پذیرش این مسئولیت مدنی در حقوق ایران به منظور تقویت موضع ذینفع شرط وثیقه منفی بوده و با بررسی ارکان این مسئولیت مدنی نتیجه می‌گیرد تحت شرایطی امکان پذیرش این مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای نقض شرط وثیقه منفی در نظام حقوقی ایران وجود دارد.

واژگان کلیدی: وثیقه، شرط وثیقه منفی، قرارداد تأمین مالی، مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی

۱. مقدمه

زمانی که از شرط وثیقه در حوزه قراردادهای سخن می‌گوییم آنچه در وهله اول به ذهن می‌آید شروط وثیقه‌ای است که به موجب آن متعهد موظف می‌شود مالی از اموال خودش را وثیقه متعهدله قرار دهد تا بدین وسیله تضمینی برای ایفای تعهدات او باشد. اما ذهن خلاق حقوق‌دانان شکل دیگری از این شرط را ایجاد کرده که به موجب آن متعهد به جای وثیقه دادن اموال خود موظف می‌شود تا زمان سررسید مطالبات متعهدله به هیچ‌یک از دیگر طلبکاران خود وثیقه اعطا نکند. این شرط به شرط وثیقه منفی (negative pledge clause) یا به تعبیر دیگر شرط عدم توثیق دارایی شهرت دارد. شرط وثیقه منفی نخستین بار در قراردادهای وام بانک جهانی درج شد. در این قراردادهای طرف وام‌گیرنده که در اغلب موارد کشوری در حال توسعه بود به جای اعطای وثیقه و در اختیار قرار دادن اموال، متعهد می‌شد که تا زمان بازپرداخت کامل وام دریافتی، هیچ یک از اموال خودش را وثیقه سایر وام‌دهندگان موجود و احتمالی آینده قرار ندهد (Shihata.I.F,2000:311).

این شرط رواج زیادی در قراردادهای تأمین مالی تضمین‌نشده دارد. در این قبیل قراردادهای از آنجا که تأمین‌کننده مالی حق وثیقه و تضمینی از وام‌گیرنده اخذ نکرده، منافع او همواره



توسط وام‌دهندگانی که پس از او می‌آیند در معرض خطر قرار دارد؛ چرا که اگر وام‌دهندگان بعدی در ازای دریافت وثیقه نیاز مالی وام‌گیرنده را تأمین کنند؛ در زمان بازپرداخت در اولویت خواهند بود و همین ممکن است تأمین‌کننده بدون تضمین را در بازپس‌گیری مطالبات خود ناکام بگذارد. شرط وثیقه منفی می‌تواند وام‌گیرنده را از این خطر در امان نگه دارد (Bjerre, C. S, 1998: 305).

این شرط که در نظام حقوقی انگلستان مورد بررسی قرار گرفته و در قراردادهای تأمین مالی رواج داشته حق عینی بر اموال وام‌گیرنده ایجاد نمی‌کند و تنها تضمین‌کننده اصل تساوی میان طلبکاران از طریق عدم ایجاد حق تقدم به نفع یکی به زیان دیگری است و در هر دو قالب شرط فعل و شرط نتیجه تنظیم می‌گردد. این شرط می‌تواند در حوزه حقوق ایران نیز مطرح شود. به موجب پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است از آنجا که شرط وثیقه منفی محدود به زمان بازپرداخت وام می‌باشد و این بازه زمانی محدود و موقتی است؛ شبیه سلب حق به طور کلی که به موجب ماده ۹۵۹ قانون مدنی ممنوع اعلام شده است وجود ندارد و استفاده از این شرط در نظام حقوقی ایران امکان‌پذیر است (اشراقی آرانی، ۱۳۹۸: ۴۵).

یکی از مسائلی که در رابطه با شرط وثیقه منفی مطرح است، ضمانت اجرای نقض شرط می‌باشد که تأثیر به سزایی در استقبال از این شرط توسط طرفین قرارداد و به طور ویژه‌تر تأمین‌کننده مالی دارد. نقض شرط وثیقه منفی زمانی محقق می‌شود که وام‌گیرنده، مالی از اموال خودش را وثیقه وام‌دهنده دیگری قرار دهد. ضمانت اجرایی که حقوق‌دانان برای این شرط در نظر دارند در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: ضمانت اجرای قابل استفاده در مقابل وام‌گیرنده که شامل دریافت خسارت، الزام به انجام تعهد و اخذ دستور موقت می‌شود و ضمانت اجرای قابل استفاده در مقابل شخصی که برخلاف این شرط از تأمین‌شونده مالی وثیقه دریافت کرده یعنی طلبکار جدید، که خود شامل طرح دعوی مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی، تضمین حق تقدم بر طلبکار جدید، ابطال حق وثیقه ایجادشده و ایجاد حق معادل یا مقدم بر حق طلبکار جدید برای ذینفع شرط وثیقه منفی است (اشراقی آرانی، ۱۳۹۸: ۴۵).



در واقع ضمانت اجراهای مطرح‌شده برای نقض شرط وثیقه منفی طیفی از گزینه‌های ساده‌ای چون دریافت خسارت که در نظام حقوقی ایران نیز قابل تصور است و راهکارهای پیچیده‌ای همچون طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه طلبکار جدید را در برمی‌گیرد. شناسایی این مسئولیت مدنی برای نقض شرط وثیقه منفی در نظام حقوقی انگلستان محل بحث و اختلاف بوده و در حوزه حقوق ایران نیز با پرسش‌هایی همراه است. در این پژوهش که به روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی انجام‌شده ما در ابتدا به معرفی مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی می‌پردازیم، سپس مبنای این مسئولیت را توضیح خواهیم داد که خود زمینه‌ای است برای طرح دیدگاه‌های حقوق‌دانان در رابطه با پذیرش یا عدم پذیرش این ضمانت اجرا در فرض نقض شرط وثیقه منفی و در نهایت تحقق ارکان این مسئولیت مدنی را در فرض گفته‌شده بررسی خواهیم کرد.

۲. مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی

با در نظر داشتن این حقیقت که در هر بار نقض شرط وثیقه منفی علاوه بر وام‌گیرنده طرف دیگری نیز حضور دارد که با درخواست و یا حداقل پذیرش وثیقه، شرایط نقض را محقق می‌کند و این مسئله که هر چند طلبکار جدید می‌تواند هر فردی باشد اما اغلب یا وام‌دهنده قدیمی است که به دنبال تقویت موقعیت خود است و یا وام‌دهنده جدیدی است که برای نخستین بار اقدام به تأمین مالی وام‌گیرنده کرده است (Stone, J, 1991:409)؛ این سؤال پیش می‌آید که آیا تأمین‌کننده مالی نخست می‌تواند به شخصی که نقض شرط را تسهیل کرده است مراجعه کند؟ مسئولیت مدنی ناشی از مداخله، در حقوق انگلستان در زیرمجموعه عنوان خطای اقتصادی (economic tort) مطرح می‌شود. این عنوان شامل جرایم رقابت ناعادلانه، افترا تجاری، تصاحب اسرار تجاری، تحریم، دروغ زیان‌آور، مداخله در روابط قراردادی، مداخله در مزیت تجاری احتمالی و سایر محرومیت‌هایی است که بدون دلیل موجه اتفاق می‌افتند (Carty, H, 2015:250).

دو مورد از این جرایم را بر اساس منفعتی که دادگاه‌ها سعی در محافظت از آن دارند، می



توان از بقیه متمایز کرد یعنی مداخله در روابط قراردادی و مداخله در مزیت تجاری احتمالی. علیرغم برخی طبقه‌بندی‌ها که مداخله در روابط تجاری قراردادی موجود و روابط تجاری آینده را زیرمجموعه قانون رقابت ناعادلانه قرار می‌دهد، این عناوین به دلیل منافعی که تحت تأثیر قرار می‌دهند، به‌عنوان یک نوع خطای جداگانه و خاص در نظر گرفته شده‌اند (Cooper, B. 1975:321). مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط تجاری قراردادی و آینده‌نگر به طور سنتی به آسیب‌های روابط قراردادی موجود یا به روابطی در آینده محدود می‌شود که احتمالاً شکل قراردادی به خود می‌گیرند؛ یعنی روابطی که انتظارات مشخصاً قابل شناسایی ایجاد می‌کنند و ناظر بر وضعیتی است که در آن منافع اقتصادی ناشی از روابط و قراردادهای تجاری که در اختیار یک شخص است، توسط شخص ثالثی نقض می‌شود (Ibid, 1975:325).

مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی، ناظر بر رفتار عمدی افرادی است که می‌توان آن‌ها را به عنوان مداخله‌گر یا بیگانه برچسب زد (Dowling Jr, D. C, 1985:490). نسخه امروزی این مسئولیت مدنی از پرونده‌ی انگلیسی لاملی علیه واگنر^۲ آغاز شد. در این پرونده یک خواننده اپرا طبق یک قرارداد، به صورت انحصاری برای تئاتر خواهان اجرا می‌کرد، خواننده دعوی این خواننده را ترغیب کرد تا از تعهدات قراردادی خود در قبال خواهان سرباز زند و با او وارد رابطه قراردادی شود. دادگاه در این پرونده، خواننده را به دلیل مداخله در روابط قراردادی مسئول جبران خسارت قرار داد و برای او مسئولیت مدنی شناخت (Posner, R. 2006:740).

برای طرح مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی به عنوان ضمانت اجرای

2. Lumley v. Gye, 2 E. & B. 216-1853

۳. قدیمی‌ترین مورد از اعمال این مسئولیت مدنی در تاریخ انگلستان، به عصر فئودال‌ها برمی‌گردد؛ زمانی که طاعون تعداد بسیار زیادی از کارگران مزارع را از بین برد و اربابان زمین‌دار که برای جمع‌آوری محصولاتشان دچار کمبود نیرو شده بودند، شروع به تطمیع کارگران دیگر مزارع کردند. در آن زمان دادگاه‌های محلی برای مقابله با این وضعیت، اربابان را ملزم به جبران خسارت زمین‌داری می‌کردند که کارگزارانش را به دنبال این مداخله از دست داده بود. شایان ذکر است که تا قبل از این مورد، رویه قضایی انگلیس تکلیف کلی برای اشخاص ثالث مبنی بر پرهیز از دخالت در قراردادهای دیگران قائل نبوده است (Dowling Jr, D. C, 1985:493).



نقض شرط وثیقه منفی، لازم است در نظام حقوقی ایران به این پرسش پاسخ دهیم که چنانچه وام‌گیرنده (مشروط علیه) با نقض شرط یادشده مالی از اموال خود را به عنوان وثیقه در اختیار وام‌دهنده دیگری قرار دهد آیا اساساً چنین رهن و وثیقه‌ای صحیح است یا نه؟ پاسخ به چنین پرسشی از آن رو اهمیت دارد که اگر رهن و وثیقه داده‌شده باطل باشد در این صورت خسارتی بر تأمین‌کننده مالی وارد نشده است تا در نتیجه موضوع مسئولیت مدنی ثالث در قبال مداخله در روابط قراردادی تأمین‌کننده مالی (مشروط له) و وام‌گیرنده (مشروط علیه) مطرح شود.

پاسخ به پرسش فوق مبتنی بر این است که ضمانت اجرای تخلف از ترک فعل حقوقی چیست؟

در پاسخ به این پرسش باید بین موردی که مشروط علیه حق انجام فعل را از خود سلب می‌کند (شرط نتیجه) از موردی که شخص مزبور صرفاً خود را ملتزم به عدم استفاده از آن حق کرده باشد (شرط فعل) تفکیک کرد.

در مورد نخست نظر غالب در حقوق ایران بر باطل بودن عمل انجام گرفته است؛ زیرا مشروط علیه پس از سلب حق از خود حق انجام آن عمل را نداشته است و بنا بر اصل حاکمیت اراده و لزوم وفای به شرط، اختیار انجام آن عمل حقوقی از وی سلب شده است (امامی، ۱۳۶۳: ۱۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۰۶).^۴

ولی در ارتباط با مورد اخیر که در آن مشروط علیه خود را ملتزم به عدم استفاده از حق

۴. در یک مورد که شخصی نسبت به مال خود وکالت بلاعزل ضمن عقد لازم جهت انتقال مال به دیگری لغایت پناه سال تمام شمس می‌دهد و در ضمن عقد مزبور و نیز به موازات آن طی یک سند رسمی جداگانه حق انجام هر عمل مغایر وکالت را با تصریح به موارد آن از جمله حق هرگونه رهن گذاردن مال موضوع وکالت لغایت پناه سال تمام شمس را از خود سلب و ساقط می‌نماید لیکن متعاقباً با اخذ سند مالکیت المثنی و بر خلاف مفاد سند سالب حق، ملک مورد بحث را به رهن ثالث درمی‌آورد. اداره کل حقوقی قوه قضاییه چنین نظر داد که: در فرضی که دادگاه احراز کند موضوع فرض سؤال اعطای وکالت بوده و متعاقب آن مالک ملک را علی‌رغم اسقاط حق تهرین، به رهن گذاشته باشد، با توجه به ماده ۲۴۵ و ملاک ماده ۲۴۷ قانون مدنی به نظر ذی‌نفع (وکیل) می‌تواند دعوای اعلام بطلان تهرین را طرح نماید (نظریه شماره ۳۰۶۸/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۰).



انجام عمل حقوقی یا به عبارت دیگر متعهد به ترک عمل حقوقی می‌کند چنانچه وی برخلاف تعهد خود عمل کند در فقه امامیه اختلاف نظر وجود دارد برخی قائل به بطلان عمل حقوقی هستند (انصاری، ۱۴۲۹: ۵۷؛ حکیم، ۱۴۰۴: ۹۱) ولی محقق یزدی پاسخ در این باره را مبتنی بر آن کرده است که آیا تصرفات مخالف شرط به دلیل تفویت حق مشروط له اساساً باطل است یا اینکه صرفاً حرام بوده ولی مشروط له نسبت به تصرفات منافی، حق فسخ دارد؟ (طباطبایی یزدی: ۱۴۰۹، ۶۰۸-۶۰۷)

در حقوق ایران از ملاک ماده ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون مدنی چنین استفاده می‌شود که عمل حقوقی انجام گرفته محکوم به بطلان است. مطابق ماده ۴۵۴، هر گاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود، اجاره باطل نمی‌شود؛ مگر اینکه عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت، بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط شده باشد که در این صورت، اجاره باطل است. نیز برابر ماده ۴۵۵، اگر پس از عقد بیع، مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد، مثل آن که نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد، مگر این که شرط خلاف شده باشد.

البته بعضی از صاحب نظران معتقدند که در اینجا بطلان به معنای مطلق آن نیست بلکه نسبی است، یعنی غیر نافذ است نه باطل مطلق. زیرا مخدوش بودن عمل حقوقی انجام گرفته به اصطکاک آن با حقوق مشروط علیه است. بنابراین با تحصیل رضایت او آن معامله نافذ خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۷۵-۲۷۶ و در تأیید این نظر، جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۹۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۰؛ همو، ۱۳۹۲: ۱۹۰ و ۱۹۱). با این حال برخی نویسندگان حقوقی در این مسئله براین باورند که عمل حقوقی انجام گرفته صحیح و غیر قابل فسخ بوده ولی کسی که شرط به سود او شده است می‌تواند عقد لازمی را که شرط در ضمن آن واقع شده است فسخ کند و مشروط علیه نیز ناچار است که خسارات ناشی از این پیمان شکنی را جبران کند (امامی، ۱۳۶۲: ۱۵۹؛ شهیدی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

در فرض شرط وثیقه منفی به نظر می‌رسد در کنار تقسیم‌بندی سلب حق تمتع و سلب حق اجرا توجه به ماهیت این شرط نیز حائز اهمیت باشد. به عبارتی در فرضی که سلب حق از یک طرف همراه با انتقال آن به طرف دیگر است می‌توان از عدم نفوذ معامله انجام گرفته سخن



گفت چرا که عمل حقوقی انجام‌گرفته مستلزم تجاوز به حق عینی متعهدله است. اما اگر سلب حق از یک طرف همراه با انتقال آن به طرف دیگر نباشد مانند شرط وثیقه منفی که ذینفع آن برخلاف شرط رهن، حق عینی بر اموال وام‌گیرنده پیدا نمی‌کند می‌توان گفت معامله صحیح و نافذ است و تفاوتی بین مورد سلب حق تمتع و سلب حق اجرا هم نیست چرا که نه تنها دلیلی بر بطلان چنین معامله‌ای وجود ندارد بلکه قول به عدم نفوذ آن هم قابل ایراد است چون متعهدله حق عینی نسبت به مال مورد معامله ندارد علی‌الاصول نمی‌تواند معامله را رد کند و فقط در صورتی که از معامله مزبور زیان دیده باشد می‌تواند از شخصی که نقض عهد کرده و مرتکب تقصیر شده است مطالبه خسارت نماید در واقع ضمانت اجرای سلب حق در این‌گونه موارد مسئولیت مدنی است نه بطلان یا عدم نفوذ معامله (صفایی، ۳۸-۳۷: ۱۳۹۴). همچنین در تأیید این نظر استدلال شده است که در صورت تردید بین ضمانت اجرای خفیف و شدید باید ضمانت اجرای خفیف (مسئولیت مدنی) را انتخاب کرد (جعفری لنگرودی، ۱۴۹: ۱۳۷۹).

۳. مبنای مسئولیت مدنی و نظرات پیرامون محدوده اعمال آن

در حقوق انگلستان شناسایی این مسئولیت مدنی نیازمند ارتکاب تقصیر مداخله‌گر است. برای اثبات تقصیر مداخله‌گر باید ابتدا عمل او را تحلیل کنیم. مداخله‌گر چه می‌کند؟ با آگاهی از وجود حقی برای دیگری گام در مسیری می‌نهد که در نهایت نقض این حق را به دنبال خواهد داشت. آیا مقرر قانونی یا تکلیفی عرفی او را از این کار منع کرده است؟ با در نظر داشتن این امر که شرط وثیقه منفی در بستر قراردادهای تجاری متولد شده عمل مداخله‌گر در سایه چتر حمایتی امتیاز رقابت قانونی قرار نمی‌گیرد؟ امتیازی که به افراد اجازه می‌دهد در عرصه تجاری آزادانه فعالیت کنند. آیا امکان گسترش دامنه این مسئولیت مدنی و تعمیم آن به حوزه نقض شرط وثیقه منفی وجود دارد؟ در حقوق انگلیس دو دیدگاه کلی در این زمینه موجود است. پروفیسور پرلن با استفاده از تحلیل نظریه «نقض کارآمد» به این نتیجه می‌رسد که هدف حقوق قراردادهای سود اقتصادی است. بر این اساس، حقوق قراردادهای بر اصول کارآمدی، انصاف و اصل قابلیت پیش‌بینی استوار است. طرفین قرارداد فقط تا زمانی در قرارداد باقی



می‌مانند که قرارداد از نظر اقتصادی، سودمندترین فرصت موجود را ارائه دهد و وقتی طرفین قرارداد، آن را زیر پا می‌گذارند که پس از بررسی گزینه‌های جایگزین، نقض، سودآورترین راهکار باشد. از آنجایی که کارایی، هدف قانون قراردادها است شخص ثالث نباید مسئول نقض قرارداد ناکارآمد باشد، قوانین حقوقی باید افراد را تشویق به جستجو و استفاده از منابع بالارزش‌تر کند (Sales, J. B, 1991:113).

او آزمون ابزار غیرقانونی (The Unlawful Means Test) را مطرح می‌کند. بر اساس این مفهوم، این مسئولیت مدنی تنها زمانی اعمال می‌شود که خود عمل مداخله، مستقلاً غیرقانونی باشد (Dowling Jr, D. C, 1985:497). این آزمون به طور کلی پیشنهاد می‌کند که اگر متهم می‌تواند مسئول یک جرم کاملاً مستقل باشد: مانند کلاهبرداری، افترا یا نقض ضد انحصار، قانون باید خواهان را تشویق کند که مسیر مستقیم را طی کند و تحت آن مسئولیت مدنی شکایت کند. این آزمون مستلزم این است که دادگاه روی این سؤال تمرکز کند که آیا فرد از قدرت اقتصادی به روشی غیرقانونی، مستقل از بقیه جرایم، برای تأثیرگذاری بر قرارداد یا روابط تجاری موجود استفاده کرده است یا خیر. در واقع، خط مشی زیربنای این آزمون از اندیشه قاضی هلمز ناشی می‌شود که قانون هیچ انگ یا تحریم خاصی برای طرف قراردادی که به دلایل اقتصادی تصمیم به نقض را انتخاب می‌کند، قائل نیست. برای تحمیل یک قاعده مسئولیتی، سنگین‌تر از آنچه که بر طرف متخلف قرارداد تحمیل می‌شود، مداخله‌گر باید مقصرتر باشد. این استاندارد «مقصرتر» مستلزم غیرقانونی بودن مستقل است (Ibid, 1985:511-513).

در مقابل، این دیدگاه وجود دارد که دکترین نقض کارآمد در همه موارد توجیه‌کننده عمل افراد نیست. فرض کنید الف و ب با یکدیگر رابطه قراردادی دارند و ج پیشنهاد خروج از رابطه و انعقاد قرارداد با خود را، به ب ارائه می‌کند. اگر ب به ج بگوید که باید ده هزار دلار به عنوان خسارت به الف بپردازد و به همین دلیل از قرارداد خارج نمی‌شود و ج بپذیرد که این خسارت را علاوه بر ثمن معامله بپردازد و معامله را منعقد کند؛ اگر فرض کنیم که ج از معامله با ب سود به دست آورد عملاً خروج ب از معامله به کسی آسیب وارد نمی‌کند و حتی ممکن است برای خودش و ج شرایط بهتری نیز رقم زده شود. در این حالت بر اساس مسئولیت مدنی



ناشی از مداخله نمی‌توان علیه ج طرح دعوا کرد چرا که نقض کارآمد قرارداد اتفاق افتاده و دقیقاً مطابق با قواعد عام حقوق قراردادهاست. اما در فرضی که ضرر جبران نشده الف بیشتر از سود ب و ج است و یا در فرضی که علت نقض قرارداد این است که ج اطلاعات غلطی فرضاً راجع به ورشکستگی الف داده است دیگر نمی‌توان از دکترین نقض کارآمد کمک گرفت (Sales, J. B, 1991:134).

بنا بر دیدگاه مخالفین راهکارهای قراردادی کارایی و پیش‌بینی‌پذیری را افزایش می‌دهد، این در حالی است که مداخله مسئولیت مدنی در قرارداد باعث ناکارآمدی و غیرقابل پیش‌بینی بودن می‌شود. در جامعه‌ای که بر اساس اصول تجارت آزاد بنا شده و به شیوه آن عمل می‌کند، این قانون قراردادها است، نه قانون مسئولیت مدنی، که باید تأثیر اساسی در روابط تجاری داشته باشد (Creed, J. M, 2010:507). بر این اساس نمی‌توان اشخاص ثالث را صرفاً به خاطر تلاش برای دستیابی به موقعیت قراردادی بهتر محکوم به پرداخت خسارت کرد و اگر در موردی بخواهیم از مسئولیت مدنی استفاده کنیم باید فرد مرتکب جرمی نظیر افترا یا کلاهبرداری شود.

در مقابل موافقان با تأکید به مواردی که مداخله متضمن ارتکاب جرم نیست اما با وجود این، نمی‌توان نقش مداخله‌کننده در نقض قرارداد و ورود ضرر به متعهدله را نادیده گرفت و همچنین مواردی که جبران خسارت قراردادی غیرممکن یا ناکافی می‌باشد^۵ مثل فرضی که نقض‌کننده قرارداد ورشکست شده است، طرح دعوای مسئولیت مدنی ناشی از مداخله را ابزاری مناسب برای جبران خسارت زیان‌دیده‌ای می‌دانند که منافع اقتصادی خود را به دلیل کنار گذاشته شدن از یک رابطه قراردادی از دست داده است (Stoyanov, D, 2023:14). بر همین اساس، در فرض شرط وثیقه منفی طلبکاری که با آگاهی از قرارداد تأمین مالی و شرط ضمن

۵. به عنوان مثال در پرونده اسکارلت جوهانسون به طرفیت شرکت دیزنی، علت انتخاب طرح دعوا بر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از مداخله، افزایش شانس جوهانسون برای جبران غرامت بود. در واقع علیرغم این که شرکت مارول که به تعهدات خود مبنی بر زمان و دفعات اکران فیلم طبق قرارداد عمل نکرده بود، زیرمجموعه شرکت دیزنی بود اما به دلیل اصل نسبی بودن قراردادها طرح دعوای جبران خسارت قراردادی ناشی از نقض، علیه دیزنی با شکست مواجه می‌شد (Singh, N, 2022:13).



آن اقدام به اخذ وثیقه از وام‌گیرنده می‌کند می‌تواند تحت عنوان این مسئولیت محکوم به جبران خسارت گردد.

از آن جا که مبنای کلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران نظریه تقصیر است در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از مداخله نیز می‌توان از تقصیر مداخله‌گر صحبت کرد. طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط است. تعدی در ماده ۹۵۱ تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری تعریف شده است و بر اساس ماده ۹۵۲ تفریط ترک عملی است که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. اختلاف نظری که پیش از این گفتیم در حقوق ایران نیز مطرح می‌شود به طور کلی نقض حقوق قراردادی متعهدعلیه قرارداد را مسئول جبران خسارت می‌کند که این مسئله از رهگذر مسئولیت قراردادی توسط متعهدله قابل پیگیری است. در فرضی که این نقض با همراهی شخص ثالثی محقق گشته است صحبت از مسئولیت مدنی خارج از قرارداد برای این شخص تحت شرایطی در قانون پیش‌بینی شده است. اگر این شخص مرتکب جرمی شده از طریق مسئولیت مدنی ناشی از جرم تحت پیگرد قرار می‌گیرد و اگر دست به رقابت نامشروع زده است مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع خواهد داشت. اما در فرضی که نه رقابتی مطرح باشد نه ارتکاب جرمی باز هم می‌شود شخص ثالث را شماتت کرد و برای او مسئولیت مدنی شناخت؟ در حوزه حقوق تجاری ایران نیز رقابت مشروع تجاری مورد احترام است اما سه دسته عامل باعث ایجاد رقابت نامشروع می‌شوند که در صورت بروز خسارت، مسئولیت مدنی به دنبال دارند: اعمالی که باعث سوء استفاده و گمراهی شود، اعمالی که موجب جذب مشتری دیگران با استفاده از وسایل متقلبانه شود و اعمالی که خلاف اخلاق و حسن رفتار تجاری باشد (بادینی، ۱۳۹۱: ۶۷). از میان این سه عامل آنچه در حوزه نقض شرط وثیقه منفی کاربرد دارد انجام رفتاری خلاف اخلاق و حسن رفتار تجاری است. یک بازیگر عرصه تجارت باید در معاملات خود حسن نیت داشته باشد و نقض این تکلیف عرفی می‌تواند تقصیر قلمداد شود و این دقیقاً همان امری است که رکن فعل زیان‌بار مسئولیت مدنی ناشی از مداخله را نیز محقق می‌کند با این تفاوت که هیچ رقابتی میان ذی‌نفع قرارداد و نقض‌کننده وجود ندارد. نقض شرط



وثیقه منفی می‌تواند مثال خوبی برای این موقعیت باشد. چرا که تأمین‌کنندگان مالی یا وام-دهندگان به دنبال دستیابی به سهم بیشتری از یک بازار رقابتی نیستند بلکه تنها به دنبال تقویت موقعیت خود در قرارداد می‌باشند.

حقوق‌دانان انگلیسی در همین راستا معتقدند مبنای این مسئولیت فراقراردی را می‌توان در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیع بین‌المللی کالا یافت. آنجا که تهیه‌کنندگان کنوانسیون، یک الزام یکسان برای رعایت حسن نیت در تجارت بین‌المللی ارائه کرده‌اند. در حقیقت مسئولیت خارج از قرارداد، بر عهده کسانی است که آگاهانه به قراردادهای موجود سایر شرکت‌کنندگان در امور مدنی و تجاری احترام نمی‌گذارند و به بهای رفتار غیراخلاقی خود تلاش می‌کنند به نتایج مثبتی برسند. به عنوان مثال در جریان کووید ۱۹ مشخص شده است که علیرغم وجود قرارداد برای ارائه تجهیزات پزشکی به مقصدی معین، مبلغ قابل توجهی به فروشنده پیشنهاد شده تا این محموله را به کشور دیگری هدایت کند و بدین وسیله قرارداد فروش منعقد را زیر پا بگذارد. در مواردی چنین رفتاری حتی در فرودگاه اتفاق افتاد، درست چند لحظه قبل از پرواز هواپیمای باری حاوی کالا (Stoyanov, D, 2023:11).

ما رد پای این تکلیف عرفی را در فقه امامیه نیز می‌بینیم؛ از جمله مواردی که در فقه مورد نهی قرار گرفته ورود در معامله برادر مسلمان است. این نهی ناظر بر موقعیتی است که فرد پس از توافق طرفین قرارداد و یا در زمان گفت‌وگوی مقدماتی برای انعقاد معامله، با اعلام آمادگی برای معامله توافقات انجام‌شده را برهم بزند. پیامبر (ص) در حدیثی فرموده‌اند «لا بیع بعضکم علی بیع بعض؛ برخی از شما در معامله دیگری وارد نشود». همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «نهی رسول الله أن یدخل الرجل فی سوم أخیه المسلم»؛ رسول خدا از ورود انسان به معامله برادر مسلمان نهی کرده است (شیخ انصاری، ۱۴۲۹: ۶۳-۶۰).

به عبارت دیگر؛ اگر فردی در مجلسی کالایی را بفروشد و هر یک از خریدار و مشتری اختیار فسخ معامله را داشته باشند و در این هنگام شخص ثالثی با ارائه کالای مشابهی با شرایط بهتر، تلاش کند معامله ایشان فسخ شود؛ او مرتکب عمل حرامی شده است. در مختلف الشیعه در ردیف مکروهات حین معامله همچون مدح فروشنده، تحقیر خریدار، فروش کالا



دارای عیب پنهان، سوگندخوردن حین معامله،... داخل شدن در معامله برادر مسلمان نیز ذکر شده است. دیدگاه غالب، حکم به حرمت داخل شدن در معامله دیگری است خواه حین انعقاد معامله باشد و خواه بعد از اتمام توافقات طرفین انجام شود (علامه حلی، بی‌تا: ۴۷). در ادبیات فقهی تعریف دقیقی از مداخله در دست نیست، در کتاب فقه القرآن قطب‌الدین راوندی بعد از ذکر عدم جواز داخل شدن در معامله فرد دیگر به داستان داوود نبی و دو برادر اشاره شده که در آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره ص آمده و نویسنده این عدم جواز را از ملامت داوود به دلیل قضاوت زودهنگامش برداشت کرده است؛ در اینجا به نظر می‌رسد مداخله در عبارت «دخل فی سوم اخیه» معنای بسیار گسترده‌تری داشته باشد و هر نوع دخالتی اعم از دخالت به منظور برهم زدن معامله یا غیر آن را دربرگیرد (قطب‌الدین راوندی، بی‌تا: ۴۵).

در ادامه با بررسی ارکان این مسئولیت مدنی و تطبیق آن با موقعیتی که در آن شرط وثیقه منفی نقض شده است؛ استفاده از این ضمانت اجرا در عمل مشخص می‌شود.

۴. ارکان مسئولیت مدنی

برای طرح این مسئولیت در حقوق انگلستان زیان‌دیده باید مداخله عامل زیان، آگاهی او از شرط وثیقه منفی، قصد ورود ضرر، ایجاد ضرر مستقیم و رابطه سببیت بین فعل او و زیان وارده را ثابت کند. در این قسمت به بررسی سه رکن اصلی تحقق مسئولیت مدنی یعنی فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت می‌پردازیم.

۴-۱. فعل زیان‌بار

منظور از فعل زیان‌بار در تعریف مسئولیت مدنی ناشی از مداخله در روابط قراردادی فعل مداخله کردن است. کلمه مداخله می‌تواند شکل‌ها و تعاریف متفاوتی داشته باشد. در حقوق انگلیس از عبارت تحریک مستقیم (direct inducement) برای شناسایی این مسئولیت استفاده می‌شود. تحریک مستقیم ناظر بر عملکرد شخص ثالث و نقش او در نقض یک رابطه قراردادی است. در فرض موضوع ما زمانی که وام‌دهنده موجود یا جدید به طور مستقیم به وام‌گیرنده



نزدیک می‌شود تا وثیقه‌ای به دست آورد و یا پیشنهاد وثیقه را بپذیرد این یک مداخله مستقیم است و می‌تواند تحریک مستقیم برای نقض قرارداد قلمداد شود. (Tamasauskas. A, 2003:40) مداخله همیشه از طریق اغوا اتفاق نمی‌افتد اما در مورد وثیقه‌ای که بر خلاف شرط وثیقه منفی داده شده است، شکل مستقیم دخالت مدنظر خواهد بود که به احتمال قریب به یقین به دنبال آن نقض قرارداد رخ داده است.

در یک نگاه کلی مداخله‌ای که مسئولیت مدنی به همراه دارد به عواملی همچون ماهیت قرارداد، موقعیت طرفین قرارداد، دلایل نقض، وسایل به کار رفته برای تهیه تخلف، رابطه شخص طرف قرارداد با شخص ثالث و هدف شخص در نقض قرارداد بستگی دارد. البته باید توجه داشت که برخی معتقدند مداخله‌گر می‌تواند مداخله را بر اساس یک دلیل اقتصادی مشروع، مانند ارائه توصیه صادقانه به عنوان مشاور، جهت حمایت از حقوق قراردادی یا شهرت وام‌گیرنده توجیه کند (Stone. J, 1991:407-408).

برای تحقق فعل مداخله یا تحریک مستقیم، وام‌دهنده باید از وجود قرارداد تأمین مالی و شرط وثیقه منفی ضمن آن آگاه باشد. در رابطه با اینکه کدام یک از آگاهی‌ها را مؤثر بدانیم مناقشه بسیار است. اما باید توجه داشت که تأکید بر آگاهی دقیق و واقعی، استفاده از این مسئولیت مدنی را در بسیاری از موارد و حداقل در بسیاری از پرونده‌های شرط وثیقه منفی بی‌اعتبار می‌کند؛ چرا که عملاً به دلیل عدم انتشار اسناد مربوطه توسط بانک‌ها دستیابی به این آگاهی دشوار و چه‌بسا غیرممکن است. در نتیجه در موارد نادری این امکان هست که تأمین‌کننده مالی نخست بتواند آگاهی واقعی تأمین‌کننده مالی جدید را به وجود قرارداد و به طور ویژه درج این شرط اثبات کند و اتخاذ این نظریه، تأمین‌کننده را در برابر مداخله‌کننده بی‌دفاع می‌کند (ibid:410).

در مواردی که متهم با تجارت مورد نظر آشنا باشد، ممکن است تصور شود که او از وجود قرارداد آگاه است. به عنوان مثال با توجه به گسترش همراهی شرط وثیقه شناور (floating charge) و شرط وثیقه منفی، آگاهی نسبت به شرط وثیقه شناور به منزله آگاهی نسبت به شرط وثیقه منفی در نظر گرفته می‌شود (Tamasauskas. A, 2003:44). در مورد شرط



وثیقه منفی، عدم واردکردن حداقل بخشی از دکترین آگاهی فرضی به مسئولیت مدنی مداخله در روابط قراردادی، تشویق طلبکاران به نادیده‌گرفتن حقوق مشروطه این شرط است. در مقابل، منتقدان آگاهی فرضی به افزایش دعاوی مسئولیت مدنی در صورت پذیرش شرط و در نتیجه ایجاد اختلال در معاملات تجاری عادی اشاره می‌کنند (Ibid. A, 2003:45).

برخی از حقوق‌دانان انگلیسی پیشنهاد می‌کنند که جزئیات تعهدات منفی در اسناد اجباری قابل ثبت، مثل تصمیمات مجامع عمومی ویژه یا فوق‌العاده شرکت گنجانده شود. این پیشنهاد برگرفته از قوانین اسکاتلند است. در اسکاتلند تعهدات منفی اعطاشده در ارتباط با وثیقه، باید در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت شود؛ بنابراین، اگر اطلاعات مربوط به وثیقه منفی و همچنین عبارت دقیق آن برای هر کسی قابل دستیابی باشد، می‌توان این را آگاهی یا اخطار فرضی دانست و این مسئله برای وام‌دهندگانی که آگاهانه شرط را نادیده می‌گیرند مسئولیت ایجاد خواهد کرد. در انگلستان چنین تکلیفی برای ثبت تعهدات منفی وجود ندارد (Pechackova. M, 2011:6).

اما این ثبت هم تنها برای کسانی آگاهی ایجاد می‌کند که به طور منطقی انتظار می‌رود در اسناد تجاری شرکت جست‌وجو کنند (Ibid, 2011:7). با وجود این، اصولاً در جریان انعقاد معاملات تأمین مالی، یک تأمین‌کننده مالی متعارف قبل از هر گونه توافق، تحقیق جامعی در رابطه با وضعیت مالی متقاضی از راه‌های مختلف، از جمله بررسی دیگر اسناد تأمین مالی او به عمل می‌آورد و بسیار محتمل است که از توافقات محدودکننده متقاضی تأمین مالی مطلع گردد (Stone. J, 1991:408). در حال حاضر دادگاه‌ها تلاش می‌کنند که با در نظر گرفتن شرایط پرونده، میان مصالح بازار معاملات تجاری و منافع طرف آسیب‌دیده، تعادل برقرار کنند. امروزه با توجه به گستردگی استفاده از شرط وثیقه منفی در قراردادهای تأمین مالی، آگاهی وام‌دهندگان نسبت به وجود این شرط فرض می‌شود و در موارد دیگر نیاز به اثبات آگاهی واقعی مداخله‌کننده است (Tamasauskas. A, 2003:41).

تعریف ارائه‌شده از مداخله در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است. در واقع هر نوع تحریک یا اغوا افراد برای خروج از روابط قراردادی‌شان چه همراه با وسایل متقلبانه یا ارائه اطلاعات



نادرست باشد و چه نباشد می‌تواند برای مداخله‌گر مسئولیت مدنی به بار آورد. مثالی از این مداخله که در مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال ایران ۱۳۹۶ پیش‌بینی شده است. بر اساس بندهای سه و یازده این قانون اگر بازیکن فوتبالی با باشگاهی قرارداد امضا کند تعهد به بازی کردن در آن تیم تا پایان مدت قرارداد صرفاً بر عهده همان بازیکن است و قرارداد نمی‌تواند متضمن تعهدی برای سایرین باشد لیکن سایر باشگاه‌ها باید به این قرارداد احترام گذاشته و از اغوای بازیکن برای ترک تیم فعلی و پیوستن به باشگاه آنان خودداری نمایند. وگرنه مرتکب تخلف شده و از باب مسئولیت خارج از قرارداد ملزم به پرداخت خسارت به باشگاه آن بازیکن خواهند شد.

اگر چه با توجه به اصل عدم پذیرش آگاهی فرضی در حقوق ایران دشوار می‌نماید اما همان‌طور که گفته شد عدم پذیرش آن زیان‌دیده را در موقعیت سختی قرار می‌دهد. در عرصه بین‌المللی شرط وثیقه منفی رواج دارد و این خود اماره‌ای بر آگاهی تأمین‌کننده است. در عرصه داخلی هم می‌توان به اماراتی همچون همراهی شرط وثیقه شناور و شرط وثیقه منفی اتکا جست. قدر متقین آن است که این آگاهی را برای تأمین‌کنندگان حرفه‌ای فرضی قلمداد کنیم و برای دیگر تأمین‌کنندگان اثبات آن را لازم بدانیم.

۴-۲. ضرر

طبیعی است که وام‌دهنده برای طرح دعوی مسئولیت مدنی ناشی از مداخله، باید متحمل ضرر شده باشد. در فرض شرط وثیقه منفی، آنجا که وام‌گیرنده بلافاصله ورشکسته نمی‌شود؛ تخمین و اثبات این ضرر دشوار است. البته در واقعیت، وام‌گیرنده به دلیل شهرت یا روابط قراردادی طولانی‌مدت اقدام به نقض شرط وثیقه منفی نمی‌کند؛ مگر وضعیتی که در آن درگیر مشکلات مالی و ورشکستگی شود. در این حال با اعطای وثیقه برای دریافت وام و بهبود وضعیت خودش، تأمین‌کننده مالی نخست را دچار مشکل می‌کند و ممکن است در پایان دارایی زیادی برای او باقی نماند (Pechackova, M, 2011:7).

علی‌رغم این که خسارت باید به عنوان عنصری از این مسئولیت مدنی اثبات گردد، اما در مواردی که تخلف انجام‌شده به گونه‌ای باشد که در جریان عادی تجارت به خواهان خسارت



وارد می‌شود، باید تحقق ضرر فرض شود. خسارتی که به طور منطقی قابل پیش‌بینی باشد، احتمالاً قابل جبران هم هست و در مورد نقض وثیقه منفی، ورود خسارت به وام‌دهنده در صورت ورشکستگی وام‌گیرنده اجتناب‌ناپذیر است (Stone, J, 1991:411).

گذشته از این که ضرر باید محقق شود مداخله‌گر باید قصد ورود ضرر را نیز داشته باشد اما این مسئله اغلب فرض گرفته می‌شود. در جایی که طلبکار از وجود وثیقه منفی باخبر است، اما با این حال اصرار به دریافت وثیقه ولو با نیت تقویت موقعیت خود را دارد، بدیهی است که تقریباً همیشه فقط با نقض شرط وثیقه منفی امکان تحقق این مسئله وجود خواهد داشت. به ندرت راهی برای پایان دادن به تعهدات منفی به طور قانونی یافت می‌شود. مگر اینکه تأمین‌کننده جدید بداند وجوهی که تأمین می‌کند، صرف پرداخت بدهی وام‌دهنده ذینفع شرط وثیقه منفی می‌شود و از این طریق قانوناً به تعهد منفی پایان می‌دهد. اما غالباً قصد طرفین مبتنی بر پایان دادن قانونی تعهد منفی نیست (Carty, H, 2015:279).

در فرض نقض این شرط، زیان متحمل شده، ارزش دارایی‌ای خواهد بود که دیگر در دسترس طلبکاران بدون وثیقه نیست. در واقع مقدار آن، تفاوت بین مبلغی است که ذینفع وثیقه منفی در صورتی که تمام دارایی‌ها برای همه طلبکاران بدون وثیقه در دسترس بود دریافت می‌کرد و مبلغی که او در عمل دریافت کرده است؛ در موقعیتی که دارایی‌ها از طریق اعطای وثیقه از دسترس خارج شده‌اند. در فرضی که وام‌دهنده تنها یکی از طلبکاران بدون وثیقه باشد ضرر وی کسری از ارزش کل دارایی است (Tan, C. H, 1996:438).

۳-۴. رابطه سببیت

برای تحقق هر شکلی از مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت بین عمل انجام‌شده و ضرر به وقوع پیوسته ضروری است. معیار احراز رابطه سببیت در حقوق انگلیس به معیار «اما به علت» (But for test) یا «اگر نبود» معروف شده است. یعنی باید ثابت شود که اگر تقصیر عامل

۶. به تعبیر قاضی لرد دوپلاک خوانندگان قصد دارند قرارداد را با نقض آن به پایان برسانند.



زیان نبود خسارت به بار نمی‌آمد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۹). سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا خسارت منتسب به عمل شخص ثالث می‌باشد یا نقض قرارداد، توسط وام‌گیرنده‌ای که در برابر این انگیزه تسلیم شده، اتفاق افتاده است؟

به طور کلی، این مسئولیت مدنی می‌تواند در قالب دو الگو تحلیل شود. مورد اول فرضی است که الف و ب با هم قراردادی دارند. الف به واسطه ج وادار به نقض قرارداد خود می‌شود و قراردادی با ب را برهم می‌زند. ب علیه الف و ج به دلیل مداخله در رابطه قراردادی خودش با الف طرح دعوا می‌کند. در این مثال الف فردی است که به صورت منفعلانه برای نقض قرارداد متقاعد شده است و به نظر می‌رسد خطای مداخله از طریق هدایت ج انجام شده و عمل او مقدم بر مشارکت الف است. حتی اگر فرض کنیم الف با ج برای نقض قرارداد موافقت کرده این شکل-گیری قصد، پس از تداخل صورت گرفته است. باید در نظر گرفت که اگر الف قبل از این که ج تلاش کند او را متقاعد کند تصمیم به نقض قرارداد داشته؛ رفتار ج دیگر علت نقض قرارداد نبوده و نمی‌توان او را مسئول دانست. مثل فرضی که الف با ب قراردادی دارد و از آنجا که آن را به اندازه کافی سودآور نمی‌بیند به امید رابطه سودآورتری قراردادی را نقض می‌کند (Watkins, 2011: 632).

حتی در مواردی که طلبکار از یک شرط وثیقه منفی اطلاع داشته باشد و یا واقعاً قصد نقض آن را با گرفتن وثیقه از بدهکار دنبال کند یا تصور شود که قصد نقض آن را دارد، باز هم می‌توان استدلال کرد که علت نقض، تمایل طلبکار به پذیرش این شرط نیست بلکه تمایل بدهکار به اعطای وثیقه است. در واقع این سؤال مطرح می‌شود که آیا تمایل بدهکار به شکستن قراردادی بوده یا اقدامات تدارکاتی شخص ثالث که باعث نقض شده است؟ آیا نقض به دنبال تصمیم داوطلبانه وام‌گیرنده بوده یا شخص ثالث در آن نقش داشته و ارتباطی که با پیمان-شکن گرفته بر ذهنیت او اثر گذاشته است؟

اگر وام‌گیرنده از قبل تصمیم به نقض گرفته باشد، ممکن است گفته شود نقض شرط و ورود خسارت منتسب به اوست اما به عقیده برخی از حقوق‌دانان هدف این مسئولیت مدنی، پاسخگو ساختن کسانی است که نقض عهد را تسهیل می‌کنند، خواه از طریق کمک، تشویق،



تهیه یا صرفاً همکاری در نقض عهد. دادگاه باید بررسی کند که آیا بر اساس حقایقی که در پیش دارد، می‌توان گفت که اعمال شخص ثالث یکی از علل این نقض است یا خیر (Stone. J,1991:410-414).

استدلال شده است که در حقوق ایران حتی اگر طلبکار جدید که وثیقه‌ای بر اموال وام‌گیرنده به دست آورده است از وجود شرط وثیقه منفی آگاه باشد به صرف این اطلاع، مرتکب تقصیری نشده که سبب ورود خسارت به مشروطه وثیقه منفی شود و رابطه سببیت، میان فعل وام‌گیرنده و خسارت ایجاد شده است نه طلبکار جدید (اشراقی آرانی، ۱۳۹۸: ۴۹۰). با این حال می‌توان گفت نقض شرط وثیقه منفی عملی نیست که وام‌گیرنده آن را به تنهایی انجام دهد مگر فرضی که بدون هیچ‌گونه تماس یا مذاکره قبلی تضمین ارائه کند که پذیرش این امر تنها به عنوان یک فرض آکادمیک امکان‌پذیر است و با واقعیت‌های تجاری همخوانی ندارد (Tamasauskas. A,2003:42). در واقع شکل‌گیری یک رابطه دو طرفه میان وام‌گیرنده و وام‌دهنده جدید آگاه به وجود شرط، ابزاری است که حق متعهدله شرط وثیقه منفی را پایمال می‌کند و نمی‌توان نقش او را در این نقض نادیده گرفت.

۵. نتیجه‌گیری

شرط وثیقه منفی در قراردادهای تأمین مالی قالبی است که اکثراً در موارد عدم وجود وثیقه و تضمین مورد استفاده قرار می‌گیرد و به موجب آن تأمین‌شونده مالی متعهد می‌شود تا زمان بازپرداخت کامل وام از اعطای وثیقه به دیگر تأمین‌کنندگان مالی خودداری کند. در صورتی که تأمین‌شونده بر عهد خود استوار نماند و آن را زیر پا بگذارد ضمانت اجراهای گوناگونی برای او در نظر گرفته شده است. در این نوشتار ما به بررسی امکان استفاده از دعوی مسئولیت مدنی ناشی از مداخله پرداختیم. با بررسی این شکل از مسئولیت مدنی مشخص شد رعایت اخلاق و حسن رفتار تجاری از مبانی اصلی شکل‌گیری آن است که در حقوق ایران و فقه امامیه نیز مورد احترام می‌باشد و نقض آن تقصیری است که مداخله‌کننده در قرارداد را مسئول جبران خسارت می‌سازد. همچنین این مسئولیت مدنی می‌تواند مواردی را که با



استفاده از مسئولیت مدنی ناشی از جرم یا مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری نمی‌توان جبران خسارت کرد پوشش دهد. با تحلیل ارکان آن در فرض نقض شرط وثیقه منفی مشخص شد الزام به آگاهی واقعی مداخله‌گر می‌تواند اثبات این مسئولیت مدنی را با دشواری همراه سازد و پذیرش آگاهی فرضی حداقل در رابطه با تأمین‌کنندگان واقعی می‌تواند شرایط ذینفع وثیقه منفی را بهبود بخشد. در رابطه با رکن رابطه سببیت بین فعل مداخله‌گر و ورود خسارت نیز به نظر می‌رسد فقدان علیت تنها در فرضی ممکن است که وام‌گیرنده به صورت منفعلانه تضمین ارائه کرده و شرط وثیقه منفی را نقض کند اما در اغلب موارد نقض شرط، نتیجه همکاری وام‌گیرنده و وام‌دهنده دوم است و در کنار مسئولیت قراردادی که وام‌گیرنده را ملزم به جبران خسارت می‌سازد مسئولیت مدنی ناشی از مداخله می‌تواند وام‌دهنده دوم را پاسخگو سازد.

۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

الف) کتب

۱. امامی، سید حسن، (۱۳۶۲)، حقوق مدنی، چ ۲، تهران: اسلامیه، ج ۴.
۲. انصاری، شیخ مرتضی؛ (۱۴۲۹)، المکاسب، چ ۹، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ج ۵.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۲)، مجموعه محشی قانون مدنی، چ ۲، تهران: گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۹)، حقوق تعهدات، چ ۱، تهران: گنج دانش، ج ۱.
۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، مختلف الشیعه، بی تا، قم، دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ج ۵.
۶. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، بی تا، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲.
۷. شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۷)، شروط ضمن عقد، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
۸. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله؛ (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)،



تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

۹. صفایی، حسن، قاسم‌زاده، مرتضی، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی اشخاص و مجبورین، چ ۲، تهران،

نشر سمت

۱۰. طباطبایی حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروه الوثقی قم، موسسه دار التفسیر، ج

۱۲.

۱۱. طباطبایی.یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی قم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.

۱۲. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، (۱۳۷۴)، چ ۱: تهران، موسسه نشر یلدا.

۱۳. کاتوزیان، ناصر، عقود معین (عقود اذنی - وثیقه های دین)، (۱۳۷۸)، چ ۳، تهران، شرکت

سهامی انتشار، ج ۴

۱۴. محقق داماد، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، مرکز نشر علوم

اسلامی، (۱۳۸۸) چ ۱.

ب) مقالات

۱۵. اشراقی آرانی، مجتبی؛ (۱۳۹۸)، شرط وثیقه منفی در قراردادهای تأمین مالی، پژوهش

حقوق خصوصی، ۸ (۲۹)، صص ۵۶-۳۱.

۱۶. بادینی، حسن؛ (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری،

مطالعات حقوق خصوصی، ۴۲ (۴)، صص ۷۸-۵۹.



۶-۲. منابع انگلیسی

A) Book

1. Shihata, I. F. (2000). The Negative Pledge Clause. In The World Bank Legal Papers. Brill Nijhoff.

B) Articles

2. Bjerre, C. S. (1998). Secured transactions inside out: negative pledge covenants property and perfection. *Cornell L. Rev.*, 84, 305.
3. Carty, H. (2015). The modern functions of the economic torts: Reviewing the English, Canadian, Australian, and New Zealand positions. *The Cambridge Law Journal*, 74(2).
4. Cooper, B. L. (1975). Civil Conspiracy and Interference with Contractual Relations. *Loy. LAL Rev.*, 8.
5. Creed, J. M. (2010). Integrating preliminary agreements into the interference torts. *Columbia Law Review*.
6. Dowling Jr, D. C. (1985). A Contract Theory for a Complex Tort: Limiting Interference with Contract Beyond the Unlawful Means Test. *U. Miami L. Rev.*, 40
7. Pechackova, M. (2011). Negative Pledges: Legal Nature and Their Effect on Third Parties in Scottish and English Law. Available at SSRN 1862112.
8. Posner, R. A. (2006). Common-law economic torts: An economic and legal analysis. *Ariz. L. Rev*
9. Sales, J. B. (1991). The Tort of Interference with Contract: An Argument for Requiring a Valid Existing Contract to Restrain the Use of Tort Law in Circumventing Contract Law Remedies. *Tex. Tech L. Rev*
10. Stone, J. (1991). Negative pledges and the tort of interference with contractual relations. *NEW ZEALAND LAW JOURNAL*
11. Singh, N. (2022). Tort of Intentional Interference and Its Relation with Scarlett Johansson vs Walt Disney Case. Issue 6 *Indian JL & Legal Rsch.*, 4, 1.
12. Stoyanov, D. (2023). The uneasy case of tortious interference with a contractual prohibition of assignment. *International Journal of Legal and Social Order*, 3(1).
13. Tamasauskas, A. (2003). The negative pledge clause: An investigation into the remedies available to the original lender with special emphasis on the tort of interfering



with contractual relations.

14. Tan, C. H. (1996). The negative pledge as" security" device. Singapore Journal of Legal Studies, (Dec 1996).
15. Watkins, L. (2011). Tort Law-Tortious Interference with Business Expectancy-A Trap for the Wary and Unwary Alike. UALR L. Rev., 34

In Persian:

A) Books

16. Ansari, sheikh morteza' (1429), almakaseb, ch9, qom : majma-ol- fekr eslami, j5
17. Emami, seyed hasan, (1362), civil law, ch2, tehran : eslamiyeh, j 4.
18. Helli, hsn bn awsf bn mthr ('elamh helli), mkhtlf alsha'eh, bi ta, qm, dftr nshr eslami wabsth bh jam'eh mdrsan qm, j 5
19. jafari langerodi, mahmad jafar (1379), hoquq hoquq, ch1, taharan, gonj danesh, j1.
20. Jafari langeroudi, mhmd j'efr' (1382), Annotated civil code of iran, ch 2 : thran, gunj dansh.
21. Katozian, nasr, special contracts, 1378, ch 3, thran, shrkat sahama entshar, j4
22. Katozian, nasr: civil code (Property and ownership), (1374), che1 : thran, nshr yalda.
23. Mohaqqueq damad, nzriye omomi shorot va aeltzamat dr hoqouq eslami, mrkaz e nshr 'elwm eslami, 1388, first edition.
24. Ravndi, qotb al din, feqh al qran, bi ta, qom, mnshwrat mketbh aat allh al'ezma mr'esha njfa, j 2.
25. Safai, Sayyed Hossein, Rahimi, Habibollah' (1397), Civil Liability (Extra-Contractual Obligations)
26. safayi, hasan, ghasm-zadeh, mortazi, (1394), hoquq madani esh ve mahjorin, ch2, taharan, neshar samat
27. Shahidi, mhdi' (1387), shorout dmn 'aqd, ch 2: tehran, antsharat mjd.
28. Tatabaea hkeam, seyed mohsen, mstmske al'erwh alwthqa qm, mwssh dar altfsar, j 12.
29. Tatabaea ye yazdi, seyed mhmd kazem, al'erwh alwthqa qm, mwssh ala'elma llmtbw'eat, j2.

B) Articles

30. Badini, H. (2013). COMPARATIVE STUDY OF TORT LIABILITY FOR



UNLAWFUL COMPETITION. Law Quarterly, 42(4), 59-78. doi:
10.22059/jlq.2013.31994

31. Eshraghi Arani, M. (2020). negative pledge clause in finance agreements. Private Law Research, 8(29), 31-56. doi: 10.22054/jplr.2019.41476.2198